قتل داماد در درگیری خانوادگی

اختلاف زوج جوان و درگیری خانوادگی آنها در روستای همت‌آباد شهر باخرز به قتل داماد جوان و زخمی شدن پنج نفر منجر شد.

سرهنگ علی میرجردوی، فرمانده انتظامی باخرز به ایرنا گفت: شامگاه دوشنبه دهم تیر امسال، وقوع درگیری مرگبار میان اعضای دو خانواده در روستای همت‌آباد شهر باخرز گزارش شد. ماموران با حضور در آنجا و تحقیقات اولیه متوجه شدند درگیری اول میان یك زوج جوان بوده که همین باعث شده شدت درگیری میان اعضای دو خانواده نیز کشیده شود.

وی افزود: در این درگیری، داماد ۳۲ ساله بر اثر ضربه‌های چاقو به قتل رسید و پنج نفر دیگر زخمی شدند. جسد مقتول به پزشکی قانونی منتقل و افراد زخمی نیز در بیمارستان سجادیه تربت جام بستری شدند. پرونده‌ای در این باره تشکیل شده و تحقیقات پلیسی برای مشخص شدن فردی که باعث قتل داماد جوان شده بود ادامه دارد.

دام سیاه رمال برای زن ساده‌لوح

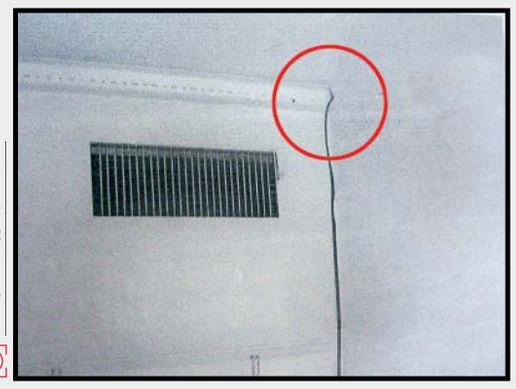

محل نصب دوربین مداربسته

مرد رمال که به بهانه شکستن طلسم زندگی زن ساده‌لوح از او در خانه‌اش فیلمبرداری مخفیانه انجام داده و از او سوءاستفاده می‌کرد، بازداشت شد. متهم این زن را مجبور کرده بود از شوهرش جدا شود و با او ازدواج کند.

به گزارش خبرنگارجنایی جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته زن ۳۰ ساله‌ای با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی استان البرز از مرد رمالی به اتهام کلاهبرداری و تهیه فیلم سیاه شکایت کرد.

پس از این شکایت، با دستور بازپرس بهمن آبیار، پرونده برای تحقیقات در دستور کار پلیس استان البرز قرار گرفت.

شاکی زن به افسر تحقیق گفت: من و همسرم تا چند سال اول زندگی‌مان شرایط خوبی داشتیم اما یکباره اخلاق او عوض شد و هر روز بهانه می‌گرفت و دعوایمان می‌شد. حتی چند بار تصمیم به جدایی گرفتم که با میانجیگری خانواده‌ها از تصمیمم منصرف شدم. در جریان یك مهمانی خانوادگی یکی از خانم‌های مهمان به من گفت شاید برای شوهرت طلسم و دعای کم شدن محبت نوشته شده باشند. در ادامه نشانی مرد رمالی را در محله ۴۵ گلشهر کرج پیدا کردم.

شاکی ادامه داد: اولین بار که به آنجا رفتم، چند زن و دختر جوان را دیدم که برای گرفتن انواع نسخه‌های خوشبختی و بخت‌گشایی نزد مرد رمال آمده بودند. بعد از آن‌که نوبت به من رسید و وارد اتاق شدم او با نگاه کردن به چهره‌ام گفت که در زندگی‌ات سه طلسم ثبت شده که اگر این طلسم‌ها یکی پس از دیگری شکسته نشود، شرایط زندگی‌ام بهتر نمی‌شود و هر روز میان من و شوهرم فاصله می‌افتد. بعد از آن‌که او حرف‌هایی درباره زندگی‌ام زد، تصمیم گرفتم یك میلیون تومان برای خرید نسخه خوشبختی بپردازم. آن نسخه را خریدم و طبق اطلاعات نوشته شده در آن نسخه عمل کردم. اما بعد از یك ماه شرایط بهتر نشد. دوباره نزد مرد رمال رفتم و او نسخه دوم را برایم نوشت و پول گرفت و قرار شد یك ماه دیگر برای خرید نسخه سوم بروم. دومین نسخه را هم طبق گفته‌های رمال اجرا کردم اما شرایط زندگی‌ام هر روز بدتر می‌شد. سومین نسخه هم مشکلم را حل نکرد. دوباره سراغ مرد رمال رفتم و اعتراض کردم که چرا شرایط زندگی‌ام بهتر نمی‌شود. او این بار مدعی شد که سه قفل طلسم باز شده، اما آخرین طلسم هنوز شکسته نشده است. برای آخرین مرحله باید چند بار به خانه‌اش بروم و او با آب زعفران آخرین نسخه را روی بدنم بنویسد. اطمینان داد که اگر این کار انجام شود، طلسم آخر شکسته می‌شود.

زن جوان افزود: فریب حرف‌های مرد رمال را خوردم و اجازه دادم او با آب زعفران نسخه‌های خوشبختی و مهر و محبت را روی بدنم بنویسد، غافل از این‌که چه بلایی می‌خواهد برسرم بیاید. با گذشت چند هفته مرد رمال بخشی از یك فیلم را برایم از طریق تلگرام ارسال کرد که صحنه مربوط به نوشتن نسخه خوشبختی و مهر و محبت روی بدنم بود. او با تهدید از من خواست که با وی ارتباط پنهانی برقرار کنم، در غیر این صورت فیلم‌های سیاه را برای شوهرم ارسال می‌کند. از ترس این‌که شوهرم متوجه ماجرا نشود، تن به خواسته پلید او دادم. هر بار که به خانه‌اش می‌رفتم با شوکر شکنجه‌ام می‌کرد. بعد خواست که از شوهرم جدا شوم و با او ازدواج کنم، در غیر این صورت آبرویم را می‌برد و هرچه فیلم سیاه از من دارد در تلگرام منتشر می‌کند و علاوه بر آن بخشی از فیلم‌ها را برای شوهرم ارسال می‌کند و حتی از من خواست پول کلانی هم به وی بپردازم. خواستم خودکشی کنم که ناکام ماندم. بنابراین تصمیم گرفتم از رمال شیطان‌صفت شکایت کنم.

تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد و دو روز پیش متهم در خانه‌اش بازداشت شد. در بازرسی از آنجا، ماموران در یکی از اتاق‌های خانه او محفظه‌ای پیدا کردند که در آن دوربین فیلمبرداری کار گذاشته شده و بخشی از فیلم‌های متعلق به شاکی در آن ثبت شده بود.

رمال ۴۰ ساله به افسر تحقیق گفت: پنج سال است که در زمینه رمالی فعالیت دارم و با نوشتن نسخه‌های دروغین و فروش آن به زنان و دختران جوان از آنها مبالغی کلاهبرداری می‌کردم. یك روز شاکی برای گرفتن نسخه مهر و محبت برای شوهرش نزدم آمد. زمانی که متوجه شدم او فرد ساده‌ای است تصمیم گرفتم از او سوءاستفاده‌های بیشتری انجام دهم، وانمود کردم زندگی‌اش طلسم سختی شده و باید روی بدن او با زعفران نسخه اصلی افزایش مهر و محبت را بنویسم. به همین خاطر در اتاق دوربینی نصب کرده و با فیلمبرداری از زن جوان، او را وادار کردم به خواسته شیطانی‌ام تن دهد.

برای مرد رمال قرار قانونی صادر و او روانه زندان شد. تحقیقات برای رازگشایی از دیگر جرایم رمال شیطان‌صفت ادامه دارد.

متهم با تهدید طعمه‌اش از او خواسته بود از شوهرش جدا شده و با وی ازدواج کند

۹ دلیل قضایی برای قاتل بودن مرد خیاط

بازپرس جنایی پایتخت با اشاره به ۹ دلیل قضایی - علمی مرد خیاط را متهم به قتل همسرش کرد.

به گزارش خبرنگارجنایی جام‌جم، بعدازظهر ۲۹ آذر سال گذشته جسد زنی ۴۰ ساله که دست و پایش با پارچه بسته شده و پتوپیچ بود در جوی آب روبه‌روی شهرك کاپولا در حوالی خیابان دستواره کشف شد. شواهد نشان می‌داد ۴۸ ساعت از مرگش می‌گذرد و بر اثر اصابت ضربه جسم سخت و سنگین به سرش به قتل رسیده است. با دستور قضایی تحقیقات درباره این پرونده آغاز شد تا این‌که با گذشت مدتی از کشف جسد، زنی با حضور در پلیس آگاهی تهران اعلام کرد که خواهرش ناپدید شده است. وی به افسر تحقیق گفت: خواهرم با شوهرش اختلاف داشت و به خاطر دختر دانشجویش طلاق نگرفت. وقتی به خانه‌شان رفتم، دامادمان حیاط خانه را شسته بود که سابقه نداشت او کارهای خانه را انجام دهد و درباره گمشدن خواهرم اظهار بی اطلاعی می‌کرد.

ماموران زمانی که تصویر جسد مجهول‌الهویه را به او نشان دادند، جسد خواهرش را شناخت. همین سرنخ کافی بود که ماموران از شوهر مقتول تحقیق کنند که وی به افسر تحقیق گفت: نمی‌دانم همسرم چرا به قتل رسیده است. ما با هم اختلاف نداشتیم و حتی می‌خواستیم دوباره بچه‌دار شویم. شب همسرم برای خرید داروهایش بیرون رفت و ناپدید شد و نمی‌دانم چرا به قتل رسیده است.

تحقیق از دختر دانشجوی مقتول نشان داد که والدینش با هم اختلاف و درگیری داشتند. همزمان با جمع‌بندی این اطلاعات، ماموران خانه مقتول را مورد بازرسی قراردادند و متوجه شدند چند بار حیاط خانه شسته شده، در پشت بام خانه که کارگاه خیاطی کوچکی بود، قیچی و پارچه‌های تکه شده پیدا کردند. نوع برش پارچه‌ها با پارچه‌ای که دست و پای مقتول بسته شده بود، یکی بود. حتی لکه خون به جا مانده در خانه با گروه خون مقتول شبیه بود. همین باعث شد بازپرس جنایی ۹ دلیل مرد خیاط را به عنوان قاتل همسرش معرفی کند. کشف پارچه‌هایی که دست و پای مقتول با آن بسته شده بود در کارگاه خیاطی متهم، اظهارات خواهر مقتول، شستن حیاط خانه، وجود آثار خراش روی دست متهم و لکه‌های خون روی دیوار از جمله دلایل بازپرس برای متهم کردن مرد خیاط به قتل همسرش بود.

با وجود ۹ دلیل قضایی برای متهم کردن مرد خیاط، او همچنان منکر قتل همسرش است.

بنابراین شوهر مقتول به خاطر نقش داشتن در قتل زن میانسال در حالی بازداشت شد که دیروز در جریان تحقیقات پلیسی - قضایی منکر قتل شد و مدعی بود که احتمالا همسرش از سوی فرد یا افراد دیگری به انگیزه انتقام‌گیری به قتل رسیده است و در این ماجرا نقشی ندارد.

حکم مرگ برای جوان تیرانداز

با تایید حکم قصاص پسری که در درگیری دسته‌جمعی با شلیك گلوله سلاح شکاری دست به جنایت زده بود در دیوان عالی کشور سایه مرگ روی سر وی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از بیست و هفتم تیر ۹۰ به دنبال وقوع درگیری دسته‌جمعی در روستای آب باریك پیشوای ورامین در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می‌داد در آن درگیری علی‌اکبر ۳۰ ساله با شلیك گلوله سلاح شکاری، پسری به نام امیر را کشته است.

جسد خونین با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس به بررسی پرداخت. شاهدان می‌گفتند عامل جنایت پس از شلیك خونین با موتورسیکلت گریخته است.

پلیس در نخستین گام از تحقیقات به پرس و جو از شاهدان پرداخت و دریافت امیر و عمویش مرتضی طرفین دعوا با علی‌اکبر و برادرانش بوده‌اند. به این ترتیب مرتضی بازداشت شد. وی گفت: ما از مدت‌ها قبل با علی‌اکبر و برادرهایش اختلاف داشتیم. آن روز یکی از دوستانم با من تماس گرفت و گفت برادرم را با چاقو زده‌اند. من که از شنیدن این حرف شوکه شده بودم خودم را به محل درگیری رساندم و برادرم را ندیدم. فکر کردم برادرم را کشته‌اند. به همین خاطر با علی‌اکبر و برادرانش درگیر شدم. من چاقو همراه داشتم و با چاقو یك ضربه به صورت علی‌اکبر زدم اما ضربه‌ای که به او زدم کشنده نبود و برادرزاده‌ام به او شلیك کرد و گریخت.

تلاش برای ردیابی امیر بی‌نتیجه ماند تا این‌که پنج سال پس از جنایت وی خودش را به پلیس معرفی کرد. او و عمویش در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یك استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستادند که پدر و مادر علی‌اکبر برای امیر حکم قصاص خواستند.

وقتی امیر ۳۰ ساله در جایگاه ویژه ایستاد، گفت: عمویم مرتضی به من گفت دعوا شده و از من خواست همراه او بروم. عمویم همراه خودش چوب و قمه برداشت و از من خواست تا سلاح شکاری او را هم با خودم ببرم. من ترك موتور عمویم نشسته بودم و سلاح را در دست داشتم. وقتی دعوا بالا گرفت و دیدم علی‌اکبر و عمویم گلاویز شده‌اند یك تیر به علی‌اکبر شلیك کردم. اما تیر به صورت او برخورد کرد. باور کنید فکر نمی‌کردم تیر سلاح شکاری موجب مرگ او شود. من بعد از قتل ترسیده بودم با اتوبوس به بندرعباس رفتم و پنج سال زندگی پنهانی داشتم. تا این‌که از این وضعیت خسته شدم و خودم را به پلیس معرفی کردم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و امیر را به قصاص محکوم کرد. عموی وی هم به خاطر معاونت در قتل به ۱۲ سال زندان محکوم شد. دیروز این حکم در شعبه دوم دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و به این ترتیب سایه مرگ روی سر امیر قرار گرفت.

عامل شهادت مامور پلیس در یك قدمی چوبه دار

حکم قصاص ساقی جوان که با شلیك به سروان محمد جلالی کاشانی وی را به شهادت رسانده بود پس از کش و قوس قضایی دیروز در دیوان عالی کشور تایید شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۲۸ مهر ۹۳ به دنبال شهادت مامور کلانتری مرزداران آغاز شد. سروان محمد جلالی کاشانی هنگام گشتزنی در حاشیه و فضای سبز بزرگراه حکیم مورد هدف گلوله یك فروشنده مواد مخدر قرار گرفت و به شهادت رسید. تلاش برای ردیابی عامل جنایت آغاز شد و پلیس با اطلاعاتی که به دست آورد رد یك فروشنده مواد مخدر به نام موسی را یافت، اما شواهد نشان می‌داد وی همزمان با به شهادت رسیدن مامور پلیس به مکان نامعلومی گریخته است. سه ماه از شلیك خونین به سروان پلیس گذشته بود که پلیس رد موسی را که به خانه پدری‌اش در ملك‌آباد کرج برگشته بود به دست آورد و وی را ۳۰ دی ماه همان سال در یك عملیات ویژه بازداشت کرد. در بازرسی از خانه پدری این متهم مقدار زیادی مواد مخدر و چند فشنگ جنگی کشف و ضبط شد اما وی به شلیك شبانه به سمت مامور پلیس اعتراف نکرد. وی گفت در مدت سه ماه قبل به نورآباد لرستان رفته و در آنجا زندگی می‌کرده است.

در حالی که اخبار مربوط به دستگیری عامل شهادت مامور پلیس در رسانه‌ها منتشر شده بود دختر و پسر جوانی به پلیس آگاهی رفتند و اعلام کردند شاهد جنایت شبانه بوده‌اند.

دختر جوان به ماموران گفت: من و نامزدم در فضای سبز قدم می‌زدیم که صدای چند گلوله شنیدیم. همان موقع پسر جوان و بلندقامتی را دیدیم که کیسه مشکوکی را بین شمشادها جاساز کرد و یك کلاه نقابدار روی سرش گذاشت و به سرعت محل را ترك کرد. وقتی اخبار به شهادت رسیدن مامور پلیس را شنیدیم متوجه شدیم آن شب چه اتفاقی رخ داده است. با اطلاعاتی که دختر و پسر جوان به پلیس داده بودند آنها در مواجهه حضوری از میان چند متهم موسی را به‌عنوان مردی که در تاریکی شب دیده بودند شناسایی کردند.

متهم در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و منکر شلیك مرگبار شد. وی گفت: پسردایی‌ام مواد فروش است. او روزانه ۵۰ هزار تومان به من می‌داد تا در فضای سبز حاشیه اتوبان حکیم که پاتوق معتادان و خریداران مواد مخدر است کشیك بدهم و مراقب اوضاع باشم. من تحت فشار روانی به شلیك به مامور پلیس اعتراف کرده بودم، اما حالا می‌گویم بی‌گناهم.

در پایان جلسه، قضات دادگاه موسی را به قصاص محکوم کردند. این حکم اما با اعتراض متهم در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی موشکافانه قرار گرفت و تایید نشد. با شکسته شدن حکم قصاص موسی این بار او در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در آن جلسه متهم حرف‌های قبلی‌اش را تکرار کرد و گفت: باور کنید من به سمت مامور پلیس شلیك نکردم. من تحت فشار روانی شلیك مرگبار را گردن گرفته بودم و بی‌گناهم.

در پایان هیات قضایی با توجه به مدارك موجود در پرونده وی را به قصاص محکوم کردند، اما وی بار دیگر به حکم صادره اعتراض کرد و پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی دوباره قرار گرفت. سرانجام دیروز قضات دیوان عالی کشور حکم قصاص موسی را تایید کردند.

حکم قصاص عامل شهادت مامور پلیس پس از دوبار رسیدگی در دادگاه سرانجام تایید شد

تلنگر

راز نوزاد فروشی ۷ میلیونی در دفترچه بیمه تقلبی

راز مردی که با پرداخت هفت میلیون تومان قصد خرید نوزاد زن معتاد را داشت، هنگام استفاده از دفترچه بیمه جعلی فاش شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اواخر هفته گذشته زن جوانی در یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران زایمان کرد اما هیچ یك از اعضای خانواده‌اش همراه او نبوده و به ملاقاتش نیامدند. پس از تولد به‌خاطر اعتیاد مادر، نوزاد در شرایط خطرناکی بود و به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد.

یك روز پس از زایمان، مرد جوانی با دفترچه بیمه زن جوان به بخش اداری بیمارستان مراجعه کرد تا او و نوزاد را ترخیص کند. کارکنان بیمارستان با بررسی دفترچه بیمه دریافتند که جعلی است و همزمان مادر نوزاد از بیمارستان خارج شده است. با اعلام موضوع به ماموران مستقر در بیمارستان، مردی که برای ترخیص آمده بود و مرد همراهش بازداشت شدند. متهم به نام فریدون با چسباندن عکس مادر نوزاد روی دفترچه بیمه فرد دیگری قصد ترخیص مادر و نوزاد را داشت که ناکام ماند. فریدون در تحقیقات گفت: می‌دانستم زن معتاد قصد فروش نوزادش را دارد. از سوی دیگر با واسطه یك زن دیگر با مردی آشنا شدم که به‌دنبال خرید نوزاد بود. قرار شد با پرداخت هزینه‌های بیمارستان و هفت میلیون تومان نوزاد را از مادرش بخرم. بعد از زایمان همراه خریدار به بیمارستان آمدم تا با ترخیص مادر و نوزاد از اینجا، نوزاد او را تحویل خریدار دهم.

سرهنگ رضا جنتی، فرمانده یگان انتظامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور در این باره گفت: تحقیقات برای دستگیری مادربچه و زن جوان که به‌عنوان واسطه در این پرونده نقش داشته ادامه دارد.

۵ کشته در تصادف زنجیره‌ای

تصادف زنجیره‌ای در محور لار به جهرم پنج کشته و شش مصدوم برجای گذاشت.

مسعود حاجی‌رجبی، مدیر مرکز اورژانس لارستان به مهر گفت: تصادف زنجیره‌ای چند دستگاه خودرو در ۶۲ کیلومتری محور لار به جهرم، حد فاصل روستاهای بریز و شرفویه، به مرگ پنج نفر از سرنشینان خودروها و مصدومیت شش نفر دیگر از جمله دو زن باردار منجر شد. مصدومان در بیمارستان امام رضا(ع) لارستان بستری شدند.

مرگ دختر جوان در آتش

دختر جوان به دلیل مشکلات خانوادگی خود را در آران و بیدگل به آتش کشید و به زندگی‌اش پایان داد. علیرضا راحتی، مسؤول اورژانس آران و بیدگل به ایسنا گفت: ساعت ۲۲ شامگاه دوشنبه یك تماس تلفنی مبنی بر خودسوزی در شهرك صنعتی صباحی بیدگل به اورژانس گزارش شد. امدادگران با حضور در آنجا متوجه شدند که آن دختر با استفاده از بنزین اقدام به خودسوزی کرده و دچار سوختگی شدیدی شده است. او به بیمارستان منتقل شد و به دلیل شدت سوختگی فوت کرد.

وی افزود: تحقیقات نشان داد که دختر جوان یك روز قبل از خودسوزی با اورژانس تماس گرفته و تهدید به خودکشی کرده است. بنابراین با پیگیری اورژانس او در بیمارستان سیدالشهدا بستری می‌شود، اما بعد از ساعتی با رضایت خانواده‌اش این دختر مرخص می‌شود. بعد از آن خانواده‌اش تصمیم می‌گیرند وی را برای ادامه درمان به مرکز تخصصی اعصاب و روان منتقل کنند که او با فرار از خانه‌شان در شهرك صنعتی صباحی، اقدام به خودسوزی مرگبار می‌کند.

کشف ۳۰ مار افعی منطقه دماوند

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست البرز از بازداشت متخلفی خبر داد که ۳۰ مار افعی دماوندی را از طبیعت صید کرده بود.

فردین حکیمی به فارس گفت: این فرد، مارهای افعی را به قصد فروش به یکی از موسسات تحقیقاتی انتقال داده بود که مارها توسط یگان حفاظت ضبط و به مرکز بازپروری حیات‌وحش پارك پردیسان تحویل شد.